

## بررسی و تحلیل پدیده استعمار و استعمارستیزی در مکتب داستانی جنوب ایران (مورد مطالعه: رمان‌های «انتری که لوطیش مرده بود»، «تنگسیر»، «همسایه‌ها» و «دلیران تنگستان»)

فرحناز منصوری نیا<sup>۱</sup>، علی رضا شوهانی<sup>۲</sup>، محمدتقی جهانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: a.shohani@ilam.ac.ir

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی پدیده استعمار و اشکال مقاومت در برابر آن در ادبیات داستانی جنوب ایران انجام شده است. این مطالعه با اتخاذ رویکردی تطبیقی-تحلیلی، چهار رمان شاخص «انتری که لوطیش مرده بود»، «تنگسیر»، «همسایه‌ها» و «دلیران تنگستان» را مورد بررسی قرار داده است. فرض بنیادین مقاله بر این است که ادبیات جنوب، به مثابه آیینی تجربه زیسته و عینی مردمان این خطه از سلطه استعماری، به ویژه بریتانیا، عمل می‌کند و ریشه‌های مقاومت در آن، برآمده از بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد منطقه است. چارچوب نظری پژوهش، ترکیبی از آرای اندیشمندان حوزه مطالعات پساستعماری، شامل ادوارد سعید (شرق‌شناسی و امپریالیسم فرهنگی)، آنتونیو گرامشی (هژمونی)، استوارت هال (بازنمایی) و میشل فوکو (قدرت و مقاومت) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استعمار در جنوب ایران پدیده‌ای چندبعدی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) بوده و نویسندگان جنوب با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی، روایی و نمادین بومی، موفق به بازنمایی این ابعاد و همچنین صور مختلف مقاومت (فردی، جمعی، مسلحانه، فرهنگی و نمادین) شده‌اند. این آثار نه تنها روایتگر رنج تاریخی هستند، بلکه خود به عنوان کنش‌هایی گفتمانی، در مقاومت در برابر هژمونی استعماری، بازتعریف هویت بومی و تقویت آگاهی جمعی نقش ایفا کرده‌اند. در نتیجه، ادبیات داستانی جنوب ایران را می‌توان گفتمانی مقاومت‌آفرین و بستری مؤثر برای مطالعه‌های پساستعماری در بافت ایران دانست.

کلیدواژه‌ها: استعمارستیزی، ادبیات جنوب ایران، مطالعات پساستعماری، هویت بومی، مقاومت فرهنگی.



شبهه استاددهی: منصوری نیا، فرحناز، شوهانی، علی رضا، و جهانی، محمدتقی. (۱۴۰۵). بررسی و تحلیل پدیده استعمار و استعمارستیزی در مکتب داستانی جنوب ایران (مورد مطالعه: رمان‌های «انتری که لوطیش مرده بود»، «تنگسیر»، «همسایه‌ها» و «دلیران تنگستان»). گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۱)، ۱۳-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ آبان ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۳ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۸ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ فروردین ۱۴۰۵

## The Treasury of Persian Language and Literature

### **An Examination and Analysis of the Phenomenon of Colonialism and Anti-Colonialism in the Southern Iranian School of Fiction (Case Studies: The Monkey Whose Master Had Died, Tangsir, The Neighbors, and The Braves of Tangestan)**

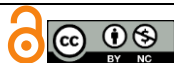
Farahnaz Mansuriniya<sup>1</sup>, Alireza Shohani<sup>2\*</sup>, Mohamad Taghi Jahani<sup>3</sup>

1. PhD Candidate of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran
  2. Associate professor of Persian Language and Literature Department, Ilam University, Ilam, Iran
  3. Assistant professor of Persian Language and Literature Department, Ilam University, Ilam, Iran
- \*Corresponding Author's Email: a.shohani@ilam.ac.ir

#### **Abstract**

The present study aims to examine the phenomenon of colonialism and the forms of resistance against it in the narrative literature of southern Iran. Adopting a comparative-analytical approach, this research analyzes four prominent novels: *The Monkey Whose Master Had Died*, *Tangsir*, *The Neighbors*, and *The Braves of Tangestan*. The fundamental assumption of the article is that southern Iranian literature functions as a mirror of the lived and concrete experiences of the people of this region under colonial domination, particularly British colonial influence, and that the roots of resistance reflected in these works emerge from the region's distinctive historical, cultural, and social context. The theoretical framework of the study draws on a synthesis of key perspectives from postcolonial studies, including Edward Said's concepts of Orientalism and cultural imperialism, Antonio Gramsci's theory of hegemony, Stuart Hall's notion of representation, and Michel Foucault's analyses of power and resistance. The findings indicate that colonialism in southern Iran was a multidimensional phenomenon encompassing political, economic, cultural, and social dimensions, and that southern Iranian writers, by employing indigenous linguistic, narrative, and symbolic capacities, have succeeded in representing these dimensions as well as various forms of resistance, including individual, collective, armed, cultural, and symbolic resistance. These works not only narrate historical suffering but also function as discursive acts that contribute to resistance against colonial hegemony, the redefinition of indigenous identity, and the strengthening of collective consciousness. Consequently, the narrative literature of southern Iran can be regarded as a resistance-producing discourse and an effective framework for postcolonial studies within the Iranian context.

**Keywords:** *anti-colonialism, southern Iranian literature, postcolonial studies, indigenous identity, cultural resistance.*



**How to cite:** Mansuriniya, F., Shohani, A., & Jahani, M. T. (2026). An Examination and Analysis of the Phenomenon of Colonialism and Anti-Colonialism in the Southern Iranian School of Fiction (Case Studies: *The Monkey Whose Master Had Died*, *Tangsir*, *The Neighbors*, and *The Braves of Tangestan*). *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(1), 1-13.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 October 2025

Revise Date: 23 January 2026

Accept Date: 27 January 2026

Initial Publish: 28 January 2026

Final Publish: 21 March 2026

مقدمه

ادبیات معاصر ایران، به‌ویژه در حوزه داستان‌نویسی، همواره پیوندی ناگسستنی با تحولات سیاسی و اجتماعی کشور داشته است. در این میان، ادبیات جنوب ایران به دلیل تجربه مستقیم و ملموس سلطه استعماری قدرت‌هایی چون بریتانیا و موقعیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، جایگاهی ویژه و متمایز دارد. این تجربه تاریخی رنج و مقاومت، در ناخودآگاه جمعی مردمان این سامان رسوب کرده و به ماده‌خام اولیه بسیاری از نویسندگان بومی تبدیل شده است (1).

نویسندگان مکتب جنوب، با تکیه بر گویش محلی، باورهای عامه، روایت‌های شفاهی و جغرافیای خاص منطقه، کوشیده‌اند تا این تجربه پیچیده را در قالب هنر داستان بازآفرینی کنند. از این منظر، ادبیات جنوب صرفاً بازتابی منفعل از تاریخ نیست، بلکه عرصه‌ای فعال برای بازتفسیر گذشته، نقد حال و جست‌وجوی هویتی مستقل در تقابل با «دیگری» استعماری است. این ادبیات خود به مثابه سلاحی نمادین در نبردی گفتمانی عمل می‌کند، نبردی که در آن، زبان، روایت و بازنمایی، جایگزین سلاح نظامی می‌شوند. همان‌گونه که ادوارد سعید تأکید می‌کند، استعمار صرفاً در سطح نظامی و سیاسی عمل نمی‌کند، بلکه از طریق تولید معنا و بازنمایی فرهنگی، سلطه خود را تثبیت می‌سازد (1).

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌های اصلی است: ابعاد گوناگون سلطه استعماری (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) چگونه در رمان‌های منتخب مکتب جنوب بازنمایی شده‌اند؟ نویسندگان این مکتب از چه سازوکارهای روایی، زبانی و نمادین برای بازنمایی مقاومت بهره برده‌اند؟ و چه عواملی گفتمان ضداستعماری جنوب را از دیگر مناطق ایران متمایز می‌سازد؟

هدف این پژوهش، نشان دادن ظرفیت ادبیات داستانی جنوب به عنوان متنی فرهنگی و گفتمانی است که همزمان «آینه»، «سلاح» و «سازنده» است؛ یعنی هم واقعیت سلطه را باز می‌تاباند، هم به

ابزاری برای مقاومت بدل می‌شود و هم در فرآیند ساخت هویت جمعی نوین مشارکت می‌کند.

بررسی پیشینه: مطالعات پیشین درباره آثار ادبی جنوب عموماً بر دو محور متمرکز بوده‌اند: تحلیل‌های تاریخیاجتماعی و بررسی‌های تک‌آثاری. برای نمونه (2) در «جامعه‌شناسی رمان همسایه‌ها» به تحلیل طبقاتی اثر پرداخته، یا (3) در بررسی زندگی و آثار صادق چوبک، به زمینه تاریخی آثار وی اشاره کرده است (4). نیز به جنبه‌های حماسی و میهن‌پرستانه «دلیران تنگستان» توجه نشان داده است. با این حال، \*نقص آشکار این پژوهش‌ها، فقدان چارچوب نظری منسجم در حوزه مطالعات پسااستعماری و نبود نگاهی تطبیقی و بینامتنی به مجموعه‌ای از آثار این مکتب است. همچنین، نقش مؤلفه‌های بومی مانند زبان، اسطوره‌های محلی و حافظه جمعی در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، در این پژوهش‌ها کم‌رنگ است. پژوهش حاضر می‌کوشد با پرکردن این خلأها، تحلیلی نظام‌مند و نظریه‌بنیاد از مکتب داستانی جنوب ارائه دهد.

این پژوهش با رویکردی بین‌رشته‌ای و با بهره‌گیری هم‌زمان از نظریه‌های ادبی، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی قدرت و تاریخ اجتماعی، ادبیات داستانی جنوب ایران را نه فقط به‌عنوان متنی ادبی، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای هنری و اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌دهد. از این منظر، رمان‌ها به‌عنوان گونه‌ای از هنر روایی، در تعامل با ساختارهای تاریخی و سیاسی، نقش فعالی در بازنمایی استعمار و شکل‌دهی به گفتمان مقاومت ایفا می‌کنند.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش، برآمده از سنت فکری مطالعات پسااستعماری است که استعمار را فراتر از یک رخداد سیاسی‌نظامی، یک «ساختار گفتمانی» پیچیده می‌داند. این ساختار از طریق زبان، ادبیات، علوم و نهادهای فرهنگی، سلطه خود را طبیعی و مشروع جلوه می‌دهد (1).

ادوارد سعید و نقد گفتمان استعماری: سعید در دو اثر کلیدی «شرق‌شناسی» (۱۹۷۸) و «فرهنگ و امپریالیسم» (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که چگونه غرب، با ساختن دوگانه «خود/دیگری»، شرق را به عنوان فضایی منفعل، عاطفی، غیرعقلانی و نیازمند هدایت و نجات تصویر کرده است. این «بازنمایی» تحقیرآمیز، توجیه‌گر سلطه سیاسی و اقتصادی بوده است. ادبیات و هنر، در تولید و تکرار این گفتمان نقش محوری داشته‌اند. از منظر سعید، وظیفه روشنفکر پسااستعماری، «بازپس‌گیری روایت» (5) و ارائه تصویری از خود است که برآمده از تجربه زیسته و از درون باشد، نه آنچه که «دیگری» تعریف کرده است.

**آنتونیو گرامشی و مفهوم هژمونی:** گرامشی (۱۳۹۰) استدلال می‌کند که طبقات مسلط، تنها از طریق زور (قدرت قاهره دولت) حکومت نمی‌کنند، بلکه از طریق کسب «رضایت» و ایجاد «هژمونی» فرهنگی‌ایدئولوژیک، سلطه خود را تثبیت می‌کنند. هژمونی به معنای طبیعی و مسلم جلوه دادن نظم موجود است، به گونه‌ای که مردمان تحت سلطه، منافع طبقه حاکم را منافع خود بدانند. مقاومت در برابر استعمار نیز، مستلزم مبارزه در عرصه فرهنگی برای شکستن این هژمونی و ایجاد «آگاهی طبقاتی» جدید است (6).

**استوارت هال و نظریه بازنمایی:** هال (۱۹۹۷) تأکید می‌کند که «بازنمایی» فرآیندی فعال است که از طریق نظام‌های نشانه‌ای (به ویژه زبان) واقعیت را می‌سازد. معنای جهان اجتماعی از پیش تعیین شده نیست، بلکه در فرآیند بازنمایی تولید می‌شود. قدرت، کنترل بر نظام‌های بازنمایی را در اختیار دارد. بنابراین، یکی از کانونی‌ترین اشکال مقاومت، ایجاد نظام‌های جایگزین بازنمایی است. نویسندگان جنوب با انتخاب گویش بومی، نمادهای محلی و روایت‌های شفاهی، در حال ساختن نظام نشانه‌ای مستقل و مقاوم در برابر نظام نشانه‌ای مسلط استعماری هستند (7).

میشل فوکو: قدرت، دانش و مقاومت: فوکو قدرت را نه به عنوان دارایی یک گروه، بلکه به عنوان شبکه‌ای از روابط متحرک و همه‌جا حاضر می‌داند که در تمام سطوح جامعه جاری است. در کنار هر رابطه قدرتی، امکان مقاومت نیز وجود دارد. مقاومت لزوماً آشکار و انقلابی نیست، بلکه می‌تواند به شکل‌های خرد، روزمره، محلی و پنهان (مانند طنز، شایعه، حفظ زبان محلی) ظهور کند. این نگاه به ما کمک می‌کند تا اشکال غیرمستقیم و پیچیده مقاومت فرهنگی در متون ادبی جنوب را شناسایی کنیم (8).

ترکیب این چارچوب نظری، ابزار تحلیلی قدرتمندی برای خوانش آثار مورد مطالعه فراهم می‌آورد؛ از تحلیل تصویرسازی استعماری از «جنوب» (سعید)، وابستگی نخبگان محلی (هژمونی گرامشی)، تا مکانیسم‌های بازنمایی بومی (هال) و اشکال خرد مقاومت. دین‌ترتیب، چارچوب نظری پژوهش حاضر در مرز میان ادبیات، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی قدرت و فلسفه تاریخ شکل گرفته است. این تلفیق نظری، امکان تحلیل ادبیات جنوب ایران را به مثابه عرصه‌ای میان‌رشته‌ای فراهم می‌سازد که در آن، متن ادبی به عنوان هنر، ابزار بازنمایی قدرت و بستری برای کنش اجتماعی عمل می‌کند.

#### تحلیل محتوای رمان‌ها در چارچوب نظری پژوهش

در این بخش، چهار رمان منتخب بر اساس ابعاد چهارگانه سلطه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) و با تکیه بر مفاهیم نظری مذکور تحلیل می‌شوند. تمرکز بر چگونگی «بازنمایی» این ابعاد توسط نویسندگان و صور «مقاومت»ی است که در متن ترسیم شده است. داده‌های پژوهش شامل گزینش هدفمند چهار رمان شاخص مکتب داستانی جنوب ایران است که در چارچوب مفاهیم نظری مطالعات پسااستعماری و با تمرکز بر ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سلطه و مقاومت تحلیل شده‌اند.

**رمان «تنگسیر» اثر صادق چوبک: مقاومت فردی و وارونگی**

نمادین

«تنگسیر» روایت قیام فردی زائر محمد (شیرمحمد) است که در برابر ظلم سیستم وابسته به استعمار و اربابان محلی می‌شورد. تحلیل این رمان نشان می‌دهد مقاومت چگونه می‌تواند در قالب کنشی فردی اما نمادین، هژمونی حاکم را به چالش بکشد.

- سلطه سیاسی: حضور نمادین استعمار با تصویر «پرچم انگلیس» بر فراز ساختمان‌ها و «تفنگ مارتینی» (نماد صنعت و قدرت نظامی غرب) نشان داده می‌شود. نکته قابل تأمل، استفاده قهرمان داستان از همان سلاح استعماری برای انتقام است. این عمل، نوعی «وارونگی نمادین» قدرت را نشان می‌دهد: ابزار سلطه به ابزار مقاومت تبدیل می‌شود (9). از سوی دیگر، گفتگوهای شخصیت‌ها، «بی‌کفایتی» و «بی‌خبری» حکومت مرکزی (احمدشاه) و وابستگی آن را عیان می‌کند که نمودی از «هژمونی» داخلی حامی استعمار است (همان: ۷۸). شخصیت‌ها به صراحت اشاره می‌کنند: «باور کن احمدشاه اصلاً نمی‌دونه بوشهر مال ایرونه یا عربسُون!» (همان). این جمله به خوبی گسست حاکمیت از مردم و بیگانگی آن از سرزمین جنوب را نشان می‌دهد.

- سلطه اقتصادی: خاطره چوبک از بوشهر به عنوان «شهر نیمه‌اروپایی» انگلیسی‌ها در برابر فقر مردم محل (3) و همچنین گفتگوهای رمان درباره انحصار منابع (آب شیرین، خانه‌های خوب) توسط انگلیسی‌ها (9)، سلطه اقتصادی و بهره‌کشی را بازنمایی می‌کند. شخصیت‌ها با خشم اشاره می‌کنند: «هر چیز خوبی هس مال ایناس... پولشون سکه عمر نیس. اینا خودشون از عمر بدترن» (9). بیانگر آگاهی طبقاتی در حال شکل‌گیری است.

- سلطه فرهنگی: سلطه فرهنگی در «تنگسیر» به صورت غیرمستقیم و از طریق تقابل سبک زندگی و رفتار انگلیسی‌ها با سنت‌های بومی نمود می‌یابد. در برابر این سلطه، پایبندی زائر محمد به ارزش‌های محلی و مفهوم «حق» به مثابه شکل مقاومت فرهنگی عمل می‌کند. او با تکیه بر هویت بومی، در برابر نظم تحمیلی ایستادگی می‌کند.

- سلطه اجتماعی و مقاومت: هسته مرکزی داستان، «ظلم» ساختاری است. زائر محمد، قربانی نابرابری اجتماعی و اقتصادی نهادینه‌شده است. او تصریح می‌کند: «من از ظلم بدم می‌آدم... می‌خوان هر چی پول با خون جیگر جمع کردم بخورن. حاکم شرع و وکیل و بزاز و دلال، همشون برای خوردن این چند قرون دار و ندار من، دَس به یکی شدن» (9). انتقام‌جویی خشونت‌بار او، اگرچه فردی است، اما شکلی از طغیان علیه نظم اجتماعی است که توسط استعمار و عوامل داخلی آن تثبیت شده است. این کنش، اگرچه در چارچوب نظریه گرامشی می‌تواند ناشی از فقدان «آگاهی طبقاتی» سازمان‌یافته تفسیر شود، اما از منظر فوکو، شکلی رادیکال از «مقاومت محلی» در برابر روابط قدرت مسلط است (10).

#### رمان «دلیران تنگستان» اثر فریدون رکن‌زاده آدمیت: مقاومت جمعی و حماسی

این اثر که در مرز تاریخ و ادبیات حماسی قرار دارد، بیش از هر چیز به دنبال زنده نگاه داشتن روحیه مقاومت ملی و افشای نقشه‌های استعماری است. این رمان نمونه‌ای از مبارزه گفتمانی در حوزه عمومی برای ایجاد هویت ملی یکپارچه است.

- سلطه سیاسی: عینیت سلطه سیاسی در «اشغال نظامی» بوشهر و «نصب پرچم بیگانه» بر بام دارالحکومه تجلی می‌یابد (11). توصیف شلیک توپ انگلیسی‌ها از روی بام گمرک، نماد بارز اعمال قدرت و ارباب است. رمان به صراحت به رقابت استعماری روسیه و انگلیس و نقشه‌های آنان اشاره می‌کند. نطق‌های میهن‌پرستانه شخصیت‌هایی مانند رئیس‌علی دلواری، نمونه‌ای بارز از تقابل گفتمانی و رد ادعاهای تمدنی استعمارگران است. او با اشاره به ابزارهای کشتار پیشرفته اروپاییان (توپ، مسلسل، گاز خفه‌کن)، «تمدن» ادعایی آنان را به چالش می‌کشد و آن را شکل دیگری از «وحشیگری» می‌خواند: «حقیقتاً اروپایی‌ها مردمان جابر ستمکاری هستند... عجب آنکه آنها ما را وحشی می‌پندارند، حال

- سلطه سیاسی: سلطه در این رمان کمتر مستقیم و بیشتر از جنس «نفوذ» همه‌جانبه شرکت نفت انگلیس و حکومت‌های وابسته است. شخصیت اصلی (خالد) به تدریج با واژه‌هایی چون «استعمارگر خونخوار» و «امپریالیسم» آشنا می‌شود (13). کشف تدریجی این مفاهیم، نماد روشنگری سیاسی است. پخش اعلامیه‌های مخفی و تشکیل حلقه‌های بحث سیاسی، نشان از شکل‌گیری تدریجی یک «ضادگفتمان» و کوشش برای ایجاد «آگاهی طبقاتی» جدید (مفهوم گرامشی) در میان توده‌ها دارد. ترس از پلیس و دستگیری به خوبی فضای سرکوب را نشان می‌دهد (همان: ۱۱۹).

- سلطه اقتصادی: غارت سیستماتیک نفت ایران و پیامدهای آن یعنی فقر گسترده، بیکاری، کساد صنایع داخلی و مهاجرت اجباری نیروی کار به کویت، محور اصلی رمان است (همان: ۲۰، ۱۰۵). توصیف کارگران ایرانی در «حصیرآباد و حلبی‌آباد» در مقابل منافع شرکت نفت، تضاد شدید طبقاتی ناشی از استعمار اقتصادی را عیان می‌سازد. جملاتی مانند «حالا، حتی دسته بیل را هم از خارج میارن» (13) به وضوح نشان می‌دهد استعمار چگونه تولید داخلی را نابود کرده است.

- سلطه فرهنگی: این سلطه در قالب «خودکم‌بینی» فرهنگی و تقلید از بیگانه نشان داده می‌شود. تلاش شخصیتی مانند «ناصر» برای استفاده از «زبان فرنگی» در کویت و فخر فروختن به آن (همان: ۶۸-۶۷)، نشانه درونی شدن حس کهنتری در برابر بیگانه است. از سوی دیگر، تحقیر مهاجران ایرانی در کشورهای عربی («نوکر عربها» خطاب شدن) (همان: ۱۲۴)، نشانی از موقعیت حاشیه‌ای کشورهای نیمه‌مستعمره در نظام سلسله‌مراتبی جهانی است که ادوارد سعید به آن پرداخته است (1).

- سلطه اجتماعی: فقر، وادار کردن زنان به کار در خانه‌های اربابان، قاپچاق و فساد اخلاقی (13)، همگی پیامدهای اجتماعی یک جامعه در حال فروپاشی تحت فشار استعمار و حکومت ناکارآمد هستند

آنکه اخلاق و رفتار خودشان از وحشی‌های آفریقا هم به مراتب بدتر است!» (همان: ۱۰۸). این استدلال، دقیقاً منطبق بر نقد سعید از دوگانه شرق/غرب است و نشان می‌دهد چگونه نویسنده، گفتمان مسلط را وارونه می‌سازد.

- سلطه اقتصادی: ایجاد عمدی «قحطی» و کنترل واردات مواد غذایی توسط انگلیسی‌ها (همان: ۱۲۹-۱۲۸)، نمونه کلاسیک استفاده از اهرم اقتصادی برای تحمیل اراده و تضعیف روحیه مقاومت است. نویسنده با توصیف ذلت تجار برای گرفتن جواز خرید اندکی گندم، ضعف ناشی از وابستگی اقتصادی را به تصویر می‌کشد.

- سلطه فرهنگی: رکن‌زاده با ایجاد تقابل میان «سادگی»، «شجاعت» و «ایثار» روستاییان و عشایر با «فساد» و «ریاکاری» شهرنشینان وابسته، در حال ساختن «خودآرمانی» ایرانی است. این بازتعریف هویت، پاسخی به «بازنمایی» تحقیرآمیز استعماری از ایرانیان است. تأکید او بر بازگشت به «خویشتن واقعی» (12)، شکلی از مقاومت فرهنگی برای مقابله با ازخودبیگانگی ناشی از هژمونی استعماری است.

- سلطه اجتماعی: رمان بر «اتحاد ملی» و ضرورت دفاع جمعی تأکید می‌ورزد. مرزبندی آشکار میان «دلیران» میهن‌پرست و «خائنان» یا «منفعلان»، بازتابی از شکاف اجتماعی عمیق در دوران بحران استعماری است. (قانون پرور، ۱۳۹۹: ۹۹) اشاره می‌کند که این رمان با هدف «ستایش قهرمانان گمنام» و «افشای نقشه‌های استعماری انگلیس» نوشته شده است، یعنی هم کارکرد هویت‌ساز دارد و هم کارکرد افشاگرانه.

#### رمان «همسایه‌ها» اثر احمد محمود: بیداری طبقاتی و سیاسی

این رمان، فرآیند تدریجی آگاهی یافتن نسل جوانی از طبقات فرودست را در بستر مبارزات ملی شدن نفت روایت می‌کند. محمود مقاومت را نه در قالب یک قیام آنی، که به عنوان فرآیندی آموزشی و جمع‌شونده تصویر می‌کند.

بود» (همان: ۸۸). او صرفاً در نقش تعریف‌شده از سوی ارباب (بازیگر معرکه) وجود دارد. این نشان‌دهنده «ازخودبیگانگی» عمیق فرهنگی و نابودی سوژگی مستقل تحت سلطه طولانی مدت است. جامعه تماشاچی که با سنگ‌پرانی و تمسخر در این نمایش مشارکت می‌کند، نماد مردمی است که خود قربانی شده‌اند اما ناخودآگاه در بازتولید روابط سلطه مشارکت می‌کنند. این صحنه به خوبی نظریه‌ها را درباره نقش بازنمایی در ساخت واقعیت اجتماعی و سوژه‌ها تداعی می‌کند (۷).

- سلطه اجتماعی: زنجیر، نماد بارز محدودیت‌های اجتماعی و نابرابری ساختاری است. انتر حتی توسط هم‌نوعان خود (میمون‌های دیگر) نیز طرد می‌شود که نشان از ازهم‌گسیختگی پیوندهای همبستگی اجتماعی در زیر فشار یک نظام استثماری دارد. توصیف کتک خوردن انتر در حالی که «هیچ کس به دادش نمی‌رسید. هیچ کس زبان او را نمی‌فهمید» (۱۴)، انزوای مطلق فرودست را نشان می‌دهد. این رمان هشدار می‌دهد که رهایی واقعی، مستلزم شکستن زنجیرهای درونی (ذهنی‌سازی سلطه) به همان اندازه زنجیرهای بیرونی است. مسئله «صدای زبردست» که نمی‌تواند سخن بگوید یا فهمیده شود، از مفاهیم محوری در نظریه گایاتری اسپیواک است (۱۵).

#### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی چهار رمان منتخب در چارچوب نظریه پسااستعماری، تصویری چندوجهی و غنی از نسبت ادبیات جنوب ایران با پدیده استعمار ارائه می‌دهد. نویسندگان این مکتب، هر یک با سبک و رویکردی خاص، به بازنمایی ابعاد مختلف سلطه و مقاومت پرداخته‌اند.

نخست، تنوع در بازنمایی اشکال سلطه مشهود است. سلطه سیاسی گاه مستقیم و نظامی است («دلبران تنگستان») و گاه غیرمستقیم و از طریق نهادهای وابسته («تنگسیر»، «همسایه‌ها»). سلطه اقتصادی با محوریت غارت منابع طبیعی (نفت) یا کنترل معیشت (قحطی)

مقاومت در این رمان، بیش از هر چیز در اشکال «آگاهی‌بخشی» و «سازمان‌یابی» سیاسی نمود دارد. شعار «صنعت نفت باید ملی شود» بر روی نوار سینه کارگران (۱۳)، نماد اتحاد و خواست جمعی برای بازپس‌گیری ثروت ملی است.

رمان «انتری که لوطیش مرده بود» اثر صادق چوبک: تمثیلی از استعمار و وابستگی

این رمان، عمیق‌ترین اثر از لحاظ نمادپردازی است که استعمار را در سطحی کلی و فلسفی نقد می‌کند. چوبک در این اثر به بررسی روانشناختی و اجتماعی رابطه سلطه و زیرسلطه می‌پردازد.

- سلطه سیاسی: «لوطی» نماد هرگونه قدرت مسلط، اعم از داخلی یا خارجی، است که با «زنجیر» (قوانین، ایدئولوژی، اجبار اقتصادی) «انتر» (مردم/جامعه مستعمره) را کنترل می‌کند. مرگ لوطی نه به آزادی، که به سردرگمی، بی‌هدایتی و سوءاستفاده توسط قدرت‌های جدید می‌انجامد: «مرگ لوطی به او آزادی نداده بود... او در دایره‌ای چرخ می‌خورد که نمی‌دانست از کجای محیطش شروع کرده» (۱۴). این تمثیل، «وابستگی بیمارگونه» و «فقدان خوداتکایی و عاملیت سیاسی» را در جوامعی که برای مدت طولانی تحت سلطه بوده‌اند، به تصویر می‌کشد. انتر حتی پس از مرگ ارباب، به دنبال ارباب جدیدی می‌گردد که نشان از درونی‌شدن سلطه دارد.

- سلطه اقتصادی: انتر برای بقا مجبور است «معرکه بگیرد» و خود را تحقیر کند. او نماد پرولتاریا یا جامعه مستعمره‌ای است که نیروی کار و حتی بدنش برای منافع ارباب استثمار می‌شود. توصیف چوبک از زندگی انتر که «هر چه می‌کرد مجبور بود. هر چه می‌دید مجبور بود و هر چه می‌خورد مجبور بود» (همان: ۹۰)، شدیدترین شکل ازخودبیگانگی اقتصادی را نشان می‌دهد.

- سلطه فرهنگی: انتر پس از مرگ لوطی، هویت خود را گم می‌کند: «دیگر لوطیش آنجا برایش وجود نداشت. نمی‌دانست چکار کند... لوطی برایش همزادی بود که بی او، وجودش ناقص

ساختارهای سلطه، بلکه پیچیدگی‌های «مقاومت» در برابر آن را به تصویر بکشند.

یافته‌ها حاکی از آن است که:

۱. سلطه سیاسی عمدتاً در قالب حضور مستقیم نظامی، نفوذ اقتصادی-سیاسی و حکومت‌های دست‌نشانده نشان داده شده است.

۲. سلطه اقتصادی با محوریت غارت منابع (نفت، تجارت) و ایجاد فقر ساختاری ترسیم شده است.

۳. سلطه فرهنگی به شکل غیرمستقیم‌تر اما عمیق‌تری، در قالب تحقیر هویت بومی، ترویج خودکم‌بینی و گسست فرهنگی بازنمایی شده است.

۴. سلطه اجتماعی در تشدید نابرابری‌ها، بی‌عدالتی و فروپاشی پیوندهای اجتماعی متجلی شده است.

در برابر این اشکال سلطه، نویسندگان، صور متنوعی از مقاومت را تصویر کرده‌اند: مقاومت فردی و انتقام‌جویانه («تنگسیر»)، مقاومت جمعی و حماسی («دلبران تنگستان»)، مقاومت سیاسی و بیداری طبقاتی («همسایه‌ها») و در نهایت، مقاومت نمادین و هشداردهنده نسبت به وابستگی («انتری که لوطیش مرده بود»).

نکته کلیدی آن است که این مقاومت‌ها، صرفاً در حوزه سیاست یا نظامی‌گری محدود نمی‌شوند، بلکه در حوزه گفت‌وگو و فرهنگ نیز رخ می‌دهند. نویسندگان جنوب، با «بازپس‌گیری حق روایت» (1) و خلق «نظام‌های جایگزین بازنمایی» (7) از طریق زبان بومی، اسطوره‌های محلی و روایت‌های شفاهی، به مبارزه با «هژمونی» فرهنگی استعمار (6) پرداخته و اشکال «خرد» مقاومت (فوکو) را به نمایش گذاشته‌اند.

به طور خلاصه، ادبیات داستانی جنوب ایران را می‌توان گفت‌مانی مقاومت‌آفرین دانست که همزمان سه کارکرد دارد: ۱. بازتاب (انعکاس تجربه تاریخی)، ۲. مقاومت (ایستادگی گفت‌مانی در برابر روایت مسلط) و ۳. ساخت (مشارکت در فرآیند ساختن هویت بومی مستقل). این ادبیات، بستری غنی برای مطالعات

ترسیم شده است. سلطه فرهنگی، اگرچه ظریف‌تر است، اما در قالب تحقیر هویت بومی، ترویج خودکم‌بینی و وابستگی ذهنی به قدرت مسلط، عمیق‌ترین آسیب را وارد کرده است، به گونه‌ای که «انتری که لوطیش مرده بود» آن را در سطحی تمثیلی و وجودی نشان می‌دهد.

دوم، تعدد و ظرافت راهبردهای مقاومت از نقاط قوت این آثار است. مقاومت منحصر به قیام مسلحانه («دلبران تنگستان») یا انتقام فردی («تنگسیر») نیست، بلکه فرآیند تدریجی آگاهی سیاسی («همسایه‌ها») و نقد فلسفی وارونگی روابط سلطه («انتری که لوطیش مرده بود») را نیز در بر می‌گیرد. این مقاومت‌ها را می‌توان ذیل مفهوم کلی «مقاومت فرهنگی» جمع‌بندی کرد. نویسندگان جنوب، با انتخاب زبان بومی، احیای اسطوره‌های محلی (چون قهرمان تنگستانی)، و روایت تاریخ از دید فرودستان، در حال اجرای همان «بازپس‌گیری روایت» (5) و خلق «نظام بازنمایی جایگزین» (7) هستند. آن‌ها با این کار، نه تنها هژمونی گفت‌مان استعماری را به چالش می‌کشند، بلکه در پروژه ساختن هویت بومی مستقل و خودبنیاد مشارکت می‌کنند.

سوم، ویژگی متمایزکننده گفت‌مان ضداستعماری جنوب را می‌توان در تلفیق عناصر بومی با مفاهیم جهانی مقاومت و همچنین تجربه زیسته مستقیم از حضور استعمار دانست. این ادبیات ریشه در جغرافیا، تاریخ شفاهی و درد مشترک مردمانی دارد که سلطه را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند. از این رو، صرفاً ترجمه نظریه‌های غربی نیست، بلکه بیانی اصیل و برخاسته از متن جامعه است.

پژوهش حاضر نشان داد که تجربه استعمار در جنوب ایران، در ادبیات داستانی این منطقه به مثابه پدیده‌ای چندبعدی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) بازنمایی شده است. نویسندگان مکتب جنوب، با بهره‌گیری از چارچوب نظری قابل اتکایی که ریشه در مطالعات پسااستعماری دارد، موفق شده‌اند نه تنها

از منظر بین‌رشته‌ای، این پژوهش نشان می‌دهد که رمان‌های جنوب ایران صرفاً بازتاب‌دهنده تاریخ نیستند، بلکه به‌عنوان آثاری هنری و گفتمانی، در سطح فرهنگ و اجتماع کنشگری می‌کنند. از این رو، ادبیات داستانی جنوب را می‌توان شکلی از هنر مقاومت دانست که در تلاقی ادبیات، هنر، تاریخ و علوم انسانی، نقش فعالی در بازتعریف هویت و نقد مناسبات سلطه ایفا می‌کند

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

The present extended abstract explores the phenomenon of colonialism and anti colonial resistance in the southern Iranian school of fiction through a comparative and analytical reading of four canonical novels namely *The Monkey Whose Master Had Died*, *Tangsir*, *The Neighbors* and *The Braves of Tangestan* and is grounded in the assumption that the narrative literature of southern Iran operates as a culturally situated discourse that both reflects and actively contests the lived experience of colonial domination particularly British influence in the Persian Gulf region and that the roots of resistance articulated in these works emerge from a distinctive historical social and cultural context shaped by direct encounters with imperial power and mediated through local forms of language memory and symbolism drawing on postcolonial theory this study conceptualizes colonialism not merely as a political or military occupation but as a multidimensional structure of domination that

پسااستعماری در بافت ایران فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان مفاهیم نظری جهانی را در تعامل با شرایط خاص تاریخی و فرهنگی یک منطقه به کار بست.

محدودیت این پژوهش، تمرکز بر چهار رمان شاخص بود. برای درک جامع‌تر از گفتمان استعمارستیزی در جنوب، بررسی سایر آثار این مکتب (مانند آثار منیر و روانی‌پور، رسول پرویزی و...) و نیز مطالعه تطبیقی آن با ادبیات مقاومت دیگر مناطق ایران و جهان، می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده باشد. همچنین، استفاده از نظریه‌های بومی‌تر مقاومت می‌تواند لایه‌های جدیدی از معنای این متون را آشکار سازد.

functions through discourse representation and cultural hegemony as articulated in the works of Edward Said who emphasizes the role of cultural production in sustaining imperial power and in constructing the colonized Other through systems of meaning that naturalize inequality and justify domination (1) within this framework southern Iranian fiction is understood as an arena of narrative struggle in which writers seek to reclaim representation challenge imposed identities and articulate indigenous perspectives that resist the epistemic violence of colonial discourse while earlier studies on southern Iranian literature have tended to focus either on historical sociological readings or on single text analyses such as class based interpretations of *The Neighbors* (2) biographical contextualization of Sadeq Chubak works (3) or general thematic attention to nationalist elements in *The Braves of Tangestan* (4) they have largely lacked a coherent postcolonial theoretical framework

and have rarely adopted a comparative intertextual approach that foregrounds the role of language symbolism and collective memory in shaping a resistance oriented literary discourse and it is precisely this gap that the present study addresses by situating southern Iranian fiction within global postcolonial debates while remaining attentive to its local specificity and cultural embeddedness

The theoretical framework of this research is constructed through an interdisciplinary synthesis of key concepts in postcolonial studies cultural theory and the sociology of power beginning with Edward Said critique of Orientalism and cultural imperialism which demonstrates how imperial power operates through representation by producing knowledge systems that define the colonized as passive backward and in need of domination and thereby legitimizing political and economic control while simultaneously erasing indigenous voices and histories (1) (5) complemented by Antonio Gramsci concept of hegemony which explains how domination is maintained not only through coercion but through the production of consent and the internalization of ruling ideologies by subordinate groups thus highlighting the centrality of cultural struggle in any process of resistance (6) this framework is further enriched by Stuart Hall theory of representation which conceptualizes meaning as actively produced through language and signifying practices rather than passively reflected and emphasizes that control over

representational systems constitutes a key site of power and resistance (7) and by Michel Foucault relational understanding of power as diffuse and omnipresent accompanied by localized and often subtle forms of resistance which enables the identification of non heroic everyday practices of cultural opposition within literary texts as theorized in later postcolonial interpretations (8) together these perspectives provide an analytical lens through which southern Iranian novels can be read as cultural texts that negotiate power identity and resistance at multiple levels revealing how narrative strategies local dialects and symbolic structures function as tools for contesting colonial hegemony and articulating alternative modes of subjectivity

Methodologically the study adopts a qualitative comparative analytical approach based on purposive selection of four representative novels that collectively span a range of narrative modes from realist social fiction to historical epic and symbolic allegory and that occupy a central position in the formation of the southern Iranian literary canon the texts are analyzed through close reading with attention to narrative voice characterization symbolism spatial representation and linguistic choices and are interpreted within the aforementioned theoretical framework in order to trace the representation of colonial domination across political economic cultural and social dimensions and to identify corresponding forms of resistance including individual revolt collective uprising ideological

awakening and symbolic critique the comparative dimension of the analysis allows for the identification of both shared discursive patterns and distinctive narrative strategies across the selected works thereby illuminating the broader contours of an emergent resistance oriented literary discourse in southern Iran and demonstrating how different aesthetic forms respond to common historical conditions without reducing the texts to mere sociological documents

The findings of the analysis reveal that colonial domination in southern Iranian fiction is consistently represented as a multidimensional phenomenon in which political occupation economic exploitation cultural degradation and social injustice are intertwined in *Tangsir* by Sadeqh Chubak colonial power is mediated through local elites and corrupt institutions and resistance takes the form of an individual but symbolically charged uprising in which the protagonist appropriates the very tools of colonial violence to challenge the hegemonic order thereby enacting a narrative of symbolic inversion that destabilizes colonial authority (9) this individual revolt while lacking organized class consciousness nevertheless exemplifies a localized form of resistance that aligns with Foucauldian notions of power and counter power as discussed in interpretive readings of the novel (10) in *The Braves of Tangestan* by Roknzadeh Adamiyat resistance is depicted in explicitly collective and heroic terms through the mobilization of tribal and national forces

against direct military occupation with the narrative emphasizing unity sacrifice and moral superiority in opposition to the technological and ideological claims of colonial modernity and reframing the colonized subject as an active historical agent (11) while simultaneously constructing a counter narrative of national identity grounded in indigenous values and historical memory (12) in *The Neighbors* by Ahmad Mahmoud colonialism is represented through the pervasive economic and political influence of foreign oil interests and their local collaborators with resistance emerging gradually through processes of political education class awareness and collective organization that reflect Gramscian notions of counter hegemonic struggle and the slow formation of oppositional consciousness among subaltern groups (13)

The most symbolically complex representation of colonial domination appears in *The Monkey Whose Master Had Died* also by Sadeqh Chubak where colonialism is allegorized as a deeply internalized condition of dependency and loss of agency embodied in the relationship between the monkey and its master and extended beyond specific historical references to a broader existential critique of domination in which the death of the master does not result in liberation but in confusion and renewed subjugation thereby illustrating the psychological and cultural dimensions of colonial dependency and the internalization of power (14) this allegorical

structure foregrounds the notion that true resistance requires not only the removal of external domination but also the dismantling of internalized hierarchies and self alienation a theme that resonates with postcolonial critiques of subaltern silence and the difficulty of reclaiming voice under conditions of epistemic domination as articulated in contemporary interpretations of subaltern theory (15) across all four novels the use of local dialects oral traditions regional settings and culturally specific symbols functions as a strategy of representational resistance through which authors reclaim narrative authority and construct alternative systems of meaning that challenge colonial and metropolitan discourses thereby enacting what postcolonial theory describes as the recovery of narrative agency and the creation of counter representational regimes (7)

In conclusion the comparative analysis of these four novels demonstrates that the southern Iranian school of fiction constitutes a coherent and multifaceted discourse of resistance that operates simultaneously at the levels of representation identity and cultural memory and that cannot be reduced to either nationalist propaganda or passive historical reflection but must be understood as an active form of cultural intervention through which writers negotiate the legacy of colonial domination and articulate indigenous modes of subjectivity and collective consciousness the diversity of resistance strategies depicted ranging from armed struggle and individual

revolt to political education and symbolic critique underscores the complexity of anti colonial resistance and highlights the capacity of literature to engage with power not only through direct confrontation but through subtle narrative reconfigurations that reshape meaning and identity in doing so southern Iranian fiction offers a valuable site for postcolonial inquiry within the Iranian context and contributes to broader discussions on how localized literary traditions can appropriate global theoretical frameworks while retaining their cultural specificity and historical rootedness and thus affirms the role of narrative literature as both a mirror of lived experience and a creative force in the ongoing struggle over representation memory and identity

## References

1. Said E. Orientalism. Tehran: Toos; 2003.
2. Naghipour M. Sociology of the Novel Neighbors. Tehran: Agah; 2001.
3. Gholamrezabigi M. A Study of Literary Schools in Chubak's Works with Emphasis on Realist and Naturalist Features in Tangsir and The Patient Stone. *Mystical and Mythological Literature*. 2005(1):87-100.
4. Ghanounparvar MR. The West and Westerners in Iranian Fiction. Tehran: Namak; 2020.
5. Said E. Culture and Imperialism. New York: Alfred A. Knopf; 1993.
6. Gramsci A. Prison Notebooks. Tehran: Negah; 2011.
7. Hall S. Representation: Cultural Representations and Signifying Practices. Tehran: Minavi Kherad; 2016.
8. Young RJC. Postcolonialism: An Historical Introduction: John Wiley & Sons; 2016.
9. Chubak S. Tangsir. Tehran: Ketab; 2017.
10. Tahani Bidmeshki O, Abedi M. Reclaiming Rights through Violence in Tangsir and The Invisible Man. In: Sadeghi L, Namvar Motlagh B, editors. *Semiotics and Criticism of*

Contemporary Narrative Literature: Selected Essays in Literary and Artistic Criticism. 2. Tehran: Sokhan; 2014.

11. Roknzadeh Adamiyat F. The Braves of Tangestan. Tehran: Amir Kabir; 1975.

12. Masoumi A. Resistance and Submission: Interpretation and Critique of the Novel The Braves of Tangestan. Narrative History. 2018;3(8):1-26.

13. Mahmoud A. Neighbors. Tehran: Pocket Books; 1974.

14. Chubak S. The Ant Who Lost His Luti. Tehran: Elmi; 2018.

15. Spivak GC. Can the Subaltern Speak? Imperialism: Routledge; 2023. p. 171-219.